

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

سال نوزدهم، شماره ۷۶، تابستان ۱۴۰۲

بررسی الهامات و القائنات در تذکرةالاولیاء عطار نیشابوری از منظر عرفانی

عظیم محمدنژاد^۱

علی رمضانی^۲

نرگس اصغری گوار^۳

چکیده

آفرینش انسان به گونه‌ای است که بر مبنای حرکت جوهری و اشتدادی خود، به مرتبه‌ای دست می‌یابد که مستعد دریافت الهامات الهی یا القائنات شیطانی و انواع خطورات گردد. «خواطر» بر دو نوع بوده که دسته‌ای الهی است و از جانب خداوند بر قلب آدمی وارد می‌گردد و آن را «الهام» نامند و دسته‌ای نیز از جانب شیطان بر قلب انسان فرود می‌آید که «القائه» نامند. گاهی الهامات الهی با واسطه و گاهی نیز بدون واسطه صورت می‌پذیرد. یکی از واسطه‌های الهام «ملائکة» هستند. نقطه مقابل الهام، القاء می‌باشد که از جانب شیطان صورت می‌پذیرد. تذکرةالاولیاء، کتابی عرفانی در شرح احوال بزرگان اولیاء، نوشته شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری است. روش تحقیق این پژوهش، تحلیلی - توصیفی می‌باشد. چون موضوع این مقاله برای اولین بار ارائه می‌شود از این لحاظ حائز اهمیت است. در کتاب تذکرةالاولیاء الهامات بیشتر از القائنات بوده و اکثراً از طریق شنیداری صورت گرفته است. نویسندگان در این مقاله درصدد آن هستند که نمونه‌هایی از الهامات و القائنات را از کتاب تذکرةالاولیاء مورد بحث و بررسی قرار دهند.

واژگان کلیدی:

الهام، القاء، خواطر، قلب، تذکرةالاولیاء.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. نویسنده مسئول:

a-ramazani@iu-ahar.ac.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

پیشگفتار

«تذکره الاولیاء» کتابی است مشتمل بر مقدمه و ۷۲ باب که هر یک به زندگی، حالات، اندیشه‌ها و سخنان یکی از عارفان اختصاص دارد. تذکره الاولیاء (به معنای یاد دوستان خدا) مؤلف تذکره الاولیاء، ابوحامد یا ابوطالب محمد بن ابی بکر ابراهیم بن مصطفی بن شعبان ملقب به فریدالدین مشهور به عطّار است که تاریخ دقیق تولّد و درگذشتش مشخص نیست. عطّار سنّی مذهب بوده، اما ارادت خاصی به اهل بیت پیامبر اکرم(ع) داشته و کتاب خود را با شرح حال امام صادق(ع) آغاز کرده و با شرح حال امام باقر(ع) پایان برده است. عطّار در مقدمه کتاب می‌گوید که: «پس از قرآن و اخبار پیامبر(ع) هیچ سخنی برتر از سخنان مشایخ طریقت نیست. او با این اعتقاد و بنا به درخواست دوستان کتاب را تألیف کرده است. وی در نقل سخنان مشایخ، به شرح آن سخنان نمی‌پردازد مگر برای رفع شبهه او توجه دارد که اولیاء روش و دید یکسان ندارند، اما چون آنان را در راه حق می‌داند، هر یک را در جای خود می‌ستاید. به همین دلیل، امام ششم شیعیان را در کنار چهار امام اهل سنّت ذکر می‌کند» (عطّار، ۱۳۹۱: ۲۱).

«واژه الهام از ریشه (ل ه م)، به دل افکندن می‌باشد.» (دهخدا، ۱۳۴۶)، الهام در قول صاحب تفسیر کبیر «آن چیزی است که در قلب عبد فرومی‌آید.» (رازی، بی‌تا: ۱۵۵-۱۹۳)، مؤلف لسان العرب و نیز صاحب مجمع البحرین، در معنای کلمه الهام آورده‌اند: «ما یلقى فی الروح.» (ابن منظور، بی‌تا: ۱۲-۳۴۶؛ طریحی، ۱۴۰۸ ق: ۱۴۶) «الهام در اصطلاح به معنای القای معنی خاص در قلب به طریق فیض، بدون اکتساب و فکر و بدون استفاضه، بلکه وارد غیبی است که بر قلب وارد می‌شود.» (سجادی، ۱۳۸۳: ۲۸۲؛ سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۱۳) پس الهام نوعی موهبت الهی است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، این افاضه الهی را صور علمیه‌ای می‌داند که یا تصویری است و یا تصدیقی و خداوند آن را در دل هر کس که بخواهد می‌اندازد. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۲۸) شرط این موهبت آن است که انسان را به فعل خیری یا ترک شری برانگیزد. خداوند به عنوان مبدأ هستی، دارای تمامی صفات کمال است و فاعلیتیش تامّ و کامل است.» (صدرالمتألّهین شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۷۶-۲۷۷) با شکل‌گیری و تدوین عرفان و تصوّف به مثابه یکی از شاخه‌های علوم اسلامی و مبتنی بر معرفت، بحث از الهام به عنوان یقینی‌ترین و برترین منبع شناخت، توسعه‌یافت. در این حوزه، گاهی از الهام با عناوینی چون علم لَدُنّی یاد کرده‌اند و گاه با توسعه در معنا و گستره الهام، مواردی از قبیل ادراکات ناگهانی، بدون مقدمه و پرشتاب ذهنی و درونی را نیز در دایره الهام جای داده‌اند. (طاهری؛ فریدی خورشیدی، ۱۳۹۱: ۳-۴۵)، «واژه القاء، از

ریشه (ل ق ی)، به معنی فروانداختن. (معین، ۱۳۴۶). اندیشه فلسفی مسلمانان به ندرت از تمایلات اشراقی و عرفانی برکنار بوده است. پیشوایان سه مکتب مهم مشائی، اشراقی و حکمت متعالیه کم و بیش دارای آثار و افکار عرفانی فلسفی هستند. از این رو جستجو و بازخوانی بحث و تحلیل قرار آراء آنها برای پاسخ به پرسش‌های عرفانی، اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف از مقاله بررسی الهامات و القائنات کتاب تذکرة الاولیاء است.

هدف و پرسش تحقیق

مصادیق الهامات الهی در کتاب تذکرة الاولیاء کدامند؟

مصادیق القائنات شیطانی در کتاب تذکرة الاولیاء کدامند؟

پیشینه پژوهش

مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی در مورد الهامات الهی و القائنات نفسانی و شیطانی به رشته تحریر درآمده، که لازم است به چند مورد اشاره نمود:

۱- مصطفی خلیلی در مقاله «وحی و امور و حیانی از نگاه سه حکیم الهی (امام خمینی قدس سره، علامه طباطبائی و شهید مطهری)» را بررسی کرده است. القا بر دو گونه است، هر کدام دارای علایم و ویژگی‌هایی می‌باشد. یعنی الهامات الهی باطمینان و آرامش باطن، ولی القائنات شیطانی با اضطراب خاطر و تشویش باطن همراه است. در حدیثی به این نکته تصریح شده است: «لَمَتَانِ لِمَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لِمَةُ مِنَ الْمَلِكِ، فَلِمَةُ الْمَلِكِ الرِّقَّةُ وَ الْفَهْمُ وَ لِمَةُ الشَّيْطَانِ السُّهُوُ وَ الْقَسْوَةُ»؛ دو گونه القا وجود دارد: القای شیطانی و القای ربانی. القای فرشته باعث نرمی قلب و فزونی فهم می‌شود و القای شیطانی موجب سهو و قساوت قلب می‌گردد. (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۶-۵۱).

۲- طاهری، سیدصدرالدین؛ فریدی خورشیدی، منا در مقاله «الهامات قدسی و القائنات شیطانی از دیدگاه ملاحظه‌درا» بررسی کردند که «نفس انسان به واسطه وجود قوای عقلیه و وهمیه در خود قابلیت ارتباط با فرشته و شیطان را دارد. غلبه شیطان بر اکثر افراد تسخیر قوه وهمیه آن هاست که به گفته ملاحظه‌درا یکی از اعداء الله است که دعوت شیطان را اجابت می‌کند.» (طاهری؛ فریدی خورشیدی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۵).

۳- فریدی خورشیدی، منا در مقاله‌ای به نام «الهامات قدسی و القائنات شیطانی از دیدگاه ابن ترکه و ملاحظه‌درا» بررسی کرده‌اند که «آیا اساساً «الهام قدسی» و «القائه شیطانی» امکان دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش فوق‌الذکر، نفس چگونه آن را از عالم ماوراء دریافت می‌کند و به‌عنوان منبع معرفتی به کار می‌گیرد؟ به این نتیجه رسیدند قوه عاقله نفس، در مسیر استکمال خود، به حدی از کمال می‌رسد که توانایی دریافت پیام از عقل فعال را دارا می‌شود.» (فریدی خورشیدی، ۱۳۹۰: ۲۳).

۴- جعفر سبحانی تبریزی در مقاله «نزول وحی به افراد عادی» بررسی کرده «شخصی که در خواب فرورفته است، اگر قلب پاکی داشته باشد، نیروی تازه‌ای در او ظهور کرده، قوه ادراک و استنباط او قوی تر می‌گردد و قدرتی پیدامی‌کند که بدون کمک چشم از فواصل دور می‌تواند اشیا و اشخاص را ببیند. شخصی که در خواب است، می‌تواند با چشم بسته مطالبی را بنویسد و یا بخواند و یا کارهای مهم و مشکلی را انجام دهد.» (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳-۱۵).

۵- علی ربانی گلپایگانی در مقاله «مقاومت پیامبران در برابر القائنات شیطانی» بررسی کرده «القائنات شیطان بر پیامبران به هنگام تمنی ایشان از خداوند و در مقابل باطل ساختن این القائنات از سوی خداوند، در جهت تحکیم آیات الهی است. پیامبران آیات الهی را به‌طور کامل برای مردم تلاوت می‌کردند، شیطان به وسوسه مردم پرداخته و شیطان با القاء شبهات و تحریف حقایق، می‌کوشید تا این آرزوی پیامبران را به شکست منجرسازد، اما در هر دو صورت خداوند پیامبران را حمایت می‌کرد و در نهایت حق بر باطل غلبه می‌یافت.» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ۱۵-۳۱).

«خاطر حقانی» عالی‌ترین وارد و خطاب قابل تصور برای بنده است که از سوی حق تعالی به قلب سالک افاضه می‌شود. نشان‌خطور این نوع خاطر، عجز دیگر انواع خواطر از معارضه با آن، و اضمحلال و تلاشی آن‌هاست. خاطر حقانی، سالک را به توجه کلی فناء محض و روی‌گردانی از دنیا و لذاتش می‌خواند. (کاشانی، ۱۳۸۷: ۷۳).

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده تاکنون در مورد مسئله «الهامات الهی و القائنات شیطانی در تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری» تحقیقی صورت نگرفته است.

بررسی و تحلیل

۱- روزی زنی بیامد و بسیار بگریست که: «پسری دارم و مرا در فراق او طاقت نماند. از بهر خدا دعایی کن، گفت: هیچ سیم‌داری؟»، گفت: «دو درهم». بستند به درویشان داد و دعا کرد. گفت: «برو که برسد». هنوز به خانه نیامده بود که پسرش به خانه آمده بود. گفت: «ای پسر حال تو چگونه بود؟». گفت: «من کرمان بودم، استاد، مرا به طلب گوشت فرستاد، به بازار. به گوشت خریدن بودم، بادی درآمد و مرا بر بود؛ و آوازی شنیدم که: ای باد او را به خانه خود بازسان، به برکت دعای حبیب و برکت آن دو درم که به صدقه داد» پیش مادرم رسیدم. (عطار، ۱۳۹۶: ۵۳).

* توضیحات:

گیرنده پیام: پسر پیرزن.

حالت گیرنده پیام: پسر پیرزن.

فیزیکی گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: شنیداری.

زمان پیام: بیداری.

نوع پیام: الهام الهی، چون باعث حرکت به طرف کمال می‌شود، کمال در داستان ادراک ارزش دعا و صدقه است.

نوع خاطر: ملکی، چون با واسطه به دل پسر فرود آمده و وی را، به سوی خیرات یعنی صدقه دادن و دعا کردن ترغیب نموده است.

محتوای پیام: به برکت دعای حبیب و دو درم صدقه، باد پسر را به خانه می‌رساند.

پاداش = دیدار مادر. کارکرد پیام: کارکرد ظاهری: نامعلوم. / کارکرد باطنی: نامعلوم.

در این روایت مشخص می‌شود با دعا کردن و صدقه دادن می‌توان به طرف کمالات حرکت کرد. درک ارزش دعا و صدقه شخص را به سوی خیرات سوق می‌دهد. این مرحله چون توسط ملائک به طرف کمال صورت گرفته است. الهام الهی و خاطر ملکی گویند. دعای خیر والدین همواره توشه راه فرزندان است و از رموز موفقیت آن‌ها به‌شمار می‌رود. هنگامی که پدر و مادر برای فرزندانشان با خلوص نیت دعای آنان بدون هیچ حجابی به محضر پروردگار می‌رسد و هفت آسمان را در می‌نوردد و یقیناً اجابت می‌شود پس هنگامی که برایتان مشکلی پیش آمد، از پدر و مادرتان بخواهید که در حق شما دعا کنند که دعایی در نزد خداوند بالاتر از دعای پدر و مادر در حق فرزندان نیست.

۲- نقل است که وقتی سیبی سرخ بگرفت و در وی نگریست و گفت: «سیبی لطیف است». در سرش ندا آمد که: «ای بایزید! شرم نداری که نام ما بر میوه می‌نهی؟». چهل روز نام حق تعالی بر دل وی فراموش گردید. گفت: «سوگند خوردم که تا زنده باشم، میوه بسطام نخورم.» (عطار ۱۳۹۶: ۱۴۴)

* توضیحات:

گیرنده پیام: بایزید بسطامی

حالت فیزیکی گیرنده: عادی

نحوه دریافت پیام: شنیداری

زمان پیام: بیداری

نوع پیام: الهام الهی، چون باعث حرکت به سوی کمال می‌شود.

نوع خاطر: ربانی، چون بدون واسطه به دل بایزید بسطامی فرود آمده است؛ و او را به طرف حقیقت و مبدأ کل سوق می‌دهد.

محتوای پیام: التفات به سبب به عنوان تجلی الهی، چون می‌گوید: نام مرا را بر سیبی می‌نهی اما خودم را در آن نمی‌بینی. تاوان و توبیخ: فراموشی نام خدای بر دلش به مدت چهل روز. گناه بایزید با

تاوان آن مناسبت دارد چون تجلی الهی را در وجود سیب فراموش می‌کند پس نام خدای چهل روز از دلش فراموش می‌شود.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: شیخ سوگند می‌خورد تازنده است میوه بسطام نخورد. / کارکرد باطنی: نامعلوم.

در این روایت مشخص می‌شود تمام اشیاء در اوج کمال آفریده شده‌اند و هیچ چیز به سوی کامل شده پیش نمی‌رود. مثلاً اتم، اتم‌تر نمی‌شود. اسب، اسب‌تر نمی‌شود. در این میان فقط انسان است که باید به طرف کمال و دید ادراکی (حرکت از ظاهر به باطن) حرکت کند. گیرکردن در ظاهر نوعی شرک خفی است. هدف از این الهام این بود که بایزید را از ظاهری به دید ادراکی ارتقاء دهد.

دیده‌ما چون بسی علت دور است رو فنا کن دید خود در دید دوست

(مولوی، ۱۳۷۰: ۲-۷۳)

۳- روزی نشسته بودم. در خاطر بگذشت که: من امروز پیر و قتم و بزرگ عصر. چون این اندیشه کردم، دانستم که غلطی عظیم افتاد. برخاستم و به طریق خراسان شدم و در منزلی مقام کردم و سوگند یاد کردم و گفتم: «از اینجا برنخیزم تا حق تعالی کسی را بر من نماید.» سه شبانه‌روز آنجا مقام کردم. روز چهارم مردی عور را دیدم، بر جمّازه‌ای می‌آمد. (عطار، ۱۳۹۶: ۵-۱۴۴)

* توضیحات:

گیرنده پیام: بایزید بسطامی.

حالت فیزیکی گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: درونی.

زمان پیام: بیداری.

نوع پیام: القاء، چون باعث حرکت به سمت شر و ضد کمال می‌شود.

نوع خاطر: نفسانی، یعنی به واسطه نفس عارض شده و بایزید را به کبر و غرور برانگیخته است.

تکبر یکی از گناهانی هست که انسان را از اصل دور می‌کند.

محتوای پیام: امروز پیر و قتم و بزرگ عصر. تاوان و توبیخ: اگر دل را از این «ادعا» نگه نداری

بسطام با اهل بسطام و بایزید غرق کنم این توبیخ یادآور داستان قارون می‌باشد. «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ

الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ - قارون به خاطر دارایی‌اش

مغرور شد و خداوند او و خانه و دارایی‌اش را به زمین فروبرد.» (قصص/۸۱).

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری؛ در منزلی در مسیر خراسان اتراق می‌کند و به خاطر اشتباهش سوگند یاد می‌کند که از اینجا برنخیزم تا حق تعالی کسی را بر من فرستد تا مرا به من نماید. / کارکرد باطنی: دانستم که غلطی عظیم افتاد.

ثابت می‌شود هر نوع غرور و تکبر و ادعا باعث دوری انسان از درگاه الهی می‌شود. بایزید از القاء نفسانی ارتقاء می‌گیرد پس انسان عارف و متعالی می‌تواند از شیطان و القائنات درس بگیرد همان‌طوری که اولین درس شیطان انا خیرٌ منه (اعراف / ۱۲) می‌باشد. انسان‌های عارف و متعالی از آن درس می‌گیرند، اما انسان‌های نادان برعکس.

۴- لشکر اسلام در روم ضعیف شدند و نزدیک بود که شکسته شوند از کفار. آوازی شنیدند که: یا بایزید دریاب! در حال از جانب خراسان آتشی پیدا شد. چنان که هراسی در لشکر افتاد و لشکر اسلام نصرت یافتند. (عطار، ۱۳۹۶: ۱۵۷)

* توضیحات:

گیرنده پیام: لشکر اسلام

حالت فیزیکی گیرندگان: هراس

نحوه دریافت پیام: شنیداری

زمان پیام: بیداری

نوع پیام: القاء، چون باعث حرکت لشکر اسلام به سوی ضد کمال می‌شود.

نوع خاطر: شیطانی، یعنی با واسطه شیطان بر دل لشکر اسلام فرود آمده و سبب اضلال و گمراهی آنان شده است و اضلال، در این متن نقض پیمان ایاک نستعین می‌باشد.

محتوای پیام: ای بایزید به دادِ اسلام برسید. تاوان و توبیخ: هراسی در لشکر دشمن افتاد.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری؛ لشکریان بایزید را قوی و مقتدر دانستند. / کارکرد باطنی: لشکر اسلام به بایزید ایمان آوردند. به جای اینکه لشکریان متوجه جباریت خداوند شوند متوجه اقتدار بایزید و ایمان بدو گشتند.

۵- سبب توبه منصور بن عمار آن بود که در راه کاغذی یافت، «بسم الله الرحمن الرحيم» بر وی نبشته، برداشت. جایی پیدا نیافت که آن را بنهادی، بخورد. در خواب دید که: «به حرمتی که داشتی آن رقع را، در حکمت بر تو گشاده کردیم». پس مدتی ریاضت کشید و مجلس آغاز کرد. (عطار، ۱۳۹۶: ۳۵۵)

* توضیحات:

گیرنده پیام: منصور بن عمار.

حالت فیزیکی گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: دیداری.

زمان پیام: خواب.

نوع پیام: الهام، چون باعث حرکت به سوی کمال می شود.
نوع خاطر: ربانی، یعنی بدون واسطه به دل منصور بن عمّار فرود آمده است و کمال در این متن توجه به حقیقت و مبدأ کل می باشد.

محتوای پیام: عظمت و قدرت بسم الله الرحمن الرحيم را نشان می دهد.
پاداش: باز شدن در حکمت.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری؛ ریاضت کشیدن است. / کارکرد باطنی: به حکمت رسیدن است.
توجه به مبدأ کل سبب باز شدن درهای حکمت است. بسم الله الرحمن الرحيم آن چنان از قداست برخوردار است که انسانها موظفاند این نام را تسبیح و تکریم کرده و آن را فراموش نکنند. نه این نام را در جای باطل به کار برند و نه در کار حق از این نام غفلت کنند و نه در کنار این نام، نام دیگری یا دیگران را ببرند؛ لذا خدای سبحان هم این اسم را مظهر برکت قرار داد، هم مظهر تسبیح، هم اوصاف تشبیهی را در این اسم ظاهر کرد و هم برکات تنزیهی را، هم فرمود: «تبارک اسم ربک» هم فرمود: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ».

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَسْتِ كَلِيدٌ فِي كَنْجِ حَكِيمٍ

(نظامی، ۱۹۶۰: ۲)

۶- چون جنید را سخن بلند شد، سری سقطی گفت: «تو را وعظ بایدگفت». جنید متردد خاطر شد و رغبت نمی کرد و می گفت: «با وجود شیخ ادب نباشد، سخن گفتن» تا شبی مصطفی را علیه الصلوة والسلام به خواب دید که گفت: «سخن گوی» بامداد برخاست تا با سرّی گوید. سری را دید بر در ایستاده. گفت: «در بند آن بودی که دیگران تو را گویند: سخن گوی؟ اکنون بایدگفت، که سخن تو را سبب نجات عالمیان گردانیده اند. چون به گفتار مریدان نگفتی و به شفاعت مشایخ بغدادی نگفتی و من گفتم و نگفتی، اکنون چون پیغمبر - علیه الصلوة والسلام - فرمود، بیایدگفت». جنید اجابت کرد و استغفار کرد. سری را گفت: تو چه دانی که من پیغمبر را علیه السلام به خواب دیدم؟ سری گفت: «من خدای - عزوجل - را به خواب دیدم و فرمود که: رسول را فرستادم تا جنید را بگوید تا بر منبر سخن گوید». گفت: «بگویم به شرط آن که از چهل تن زیادت نباشند». روزی مجلس گفت. چهل تن حاضر بودند، هجده تن جان بدادند و بیست و دو بی هوش شدند و ایشان را بر گردن نهادند و باز خانه ها بردند. (عطار، ۱۳۹۶: ۳۶۸).

* توضیحات:

گیرنده پیام: جنید.

حالت فیزیکی گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: دیداری.

زمان پیام: خواب.

نوع پیام: الهام، چون باعث حرکت به طرف کمال می‌باشد.

نوع خاطر: ملکی، چون با واسطه ملائکه به دل ایشان فرود آمده‌است؛ و وی را ترغیب به سخنرانی کرده‌است.

محتوای پیام: جنید در منبر سخن گوید.

پاداش: ندارد.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: استغفار کردن جنید / کارکرد باطنی: نامعلوم.

درواقع جز راست نباید گفت و حرف حق همیشه گفتنی است. امام صادق علیه‌السلام: کلام فی حق خیر من سکوت علی باطل. سخن گفتن درباره حق، از سکوتی بر باطل بهتر است. (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۵: ۳۹۶)

۷- نقل است که مردی در مجلس جنید برخاست و سؤال کرد. جنید را در خاطر آمد که: این مرد تندرست است و کسب تواند کرد. سؤال چرا می‌کند؟ و این مذلت بر خود چرا می‌نهد؟ آن شب در خواب دید که طبقی سرپوشیده در پیش او نهادند و او را گفتند: «بخور.» چون سرپوش برداشت، سائل را دید مرده و بر آن طبق نهاده. گفت: «من گوشت مرده نخورم.» گفتند: «پس چرا دی می‌خوردی در مسجد؟» جنید دانست که غیبت کرده‌است به دل و او را به خاطری بگیرند. گفت: از هیبت آن بیدار شدم و طهارت کردم و دو رکعت نماز گزاردم و به طلب درویش رفتم. او را دیدم بر لب دجله و از آن تره ریزه‌ها که شسته بودند از سر آب می‌گرفت و می‌خورد. سر برآورد و مرا دید که پیش او رفتم. گفت: ای جنید توبه کردی از آنچه در حق ما اندیشیدی؟ گفتم کردم. (عطار، ۱۳۹۶: ۳۷۴)

* توضیحات:

گیرنده پیام: جنید

حالت فیزیکی گیرنده: عادی

نحوه دریافت پیام: شنیداری

زمان پیام: خواب

نوع پیام: الهام، چون باعث حرکت به سوی کمال می‌شود.

نوع خاطر: ملکی، چون با واسطه ملک به دل جنید فرود آمده‌است و ایشان را به طرف طاعات سوق می‌دهد.

محتوای پیام: ترک غیبت کردن است. تاوان و توبیخ: در خواب خوردن گوشت مرده است.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: ترسیدن / کارکرد باطنی: در خواب عذاب کشیدن.

درواقع هرکس غیبت کند انگار گوشت مرده را می خورد. درواقع غیبت یکی از گناه‌های بزرگ محسوب می شود. خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يُجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (قرآن/ سوره حجرات)، هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید که بعضی از گمان‌ها گناه است و از عیوب مردم تجسس نکنید و دنبال سر یکدیگر غیبت نکنید، آیا یکی از شما هست که دوست بدارد گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ قطعاً از چنین کاری کراهت دارید.»

۸- نقل است که سؤال کردند از ابو عبدالله بن الجلا، خاموش شد. پس بیرون رفت و باز آمد. گفتند: «چه حال بود؟». گفت: «چهار دانگ سیم داشتم. شرمم آمد که در فقر سخن گویم. تا آن را صدقه کردم» و گفت: «به مدینه رسیدم رنج دیده و فاقه کشیده. تا به نزدیک تربت مصطفی (ص) گفتم: یا رسول الله! به مهمانی تو آمده‌ام پس در خواب شدم. پیغمبر (ص) را دیدم که گرده‌ای به من داد. نیمه‌ای بخوردم. چون بیدار شدم، نیمه دیگر در دست من بود.» (عطار، ۱۳۹۶: ۴۳۴).

* توضیحات:

گیرنده پیام: ابو عبدالله بن الجلا.

حالت فیزیکی گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: دیداری.

زمان پیام: خواب.

نوع پیام: الهام، چون باعث حرکت به طرف کمال می شود.

نوع خاطر: ملکی، چون با واسطه به دل ابو عبدالله بن الجلا فرود آمده است و وی را به خیرات یعنی صدقه دادن ترغیب نموده است.

محتوای پیام: بیانگر ارزش فقر می باشد.

پاداش: گرفتن نیم گرده نان از دست پیامبر.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: نامعلوم / کارکرد باطنی: نامعلوم.

فقر آن است که تو را مالی نباشد و اگر باشد برای تو نباشد. فقر یعنی بی نیاز از غیر خدا. فقر ارزشمند است پیامبر فرماید: الفقر فخری. دو نوع فقر داریم: فقری که باعث افتادن به دام شیطان و انحرافات می شود فقری که باعث پی بردن به بی نیازی خداوند می شویم و در این روایت الهام وجود دارد چون به یک انسان خدمت شده است.

۹- احمد اسود گفت: به خواب دیدم که هاتمی مرا گفت: «عبدالله را بگوی که: ساخته باش که تا یک سال دیگر وفات خواهی کرد.» بامداد با وی بگفتم. پریشان حال شد. گفت: «این وعده‌ی مدید است و مدتی بعید. تا سالی که انتظار تواند کرد؟» (عطار، ۱۳۹۶: ۴۷۴).

* توضیحات:

گیرنده پیام: احمد اسود.

حالت فیزیکی.

گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: شنیداری.

زمان پیام: خواب.

نوع پیام: القاء، چون حرکت به سوی ضد کمال می باشد.

نوع خاطر: شیطانی، چون با واسطه شیطان به دل احمد اسود فرود آمده است ایشان را مضطرب می کند و مضطرب شدن از القائنات می باشد.

محتوای پیام: تا سال دیگر وفات خواهی کرد. تاوان و توبیخ: اضطراب کشیدن.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: مضطرب شدن / کارکرد باطنی: پریشان حال شدن.

با توجه به این روایت انسان نباید از زمان مرگ خود با خبر باشد. دانستن زمان مرگ از اسرار است؛ و هرکس بداند مضطرب می شود و پریشان شدن از القائنات است. احمد اسود با زمان مشکل پیدامی کند و نمی تواند با آن هماهنگ شود و این هم شیطانی است. در حالی که خداوند در سوره والعصر می فرماید: وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ. (قرآن / سوره والعصر) سوگند به زمان می خورد درحالی که احمد اسود بدان بی احترامی می نماید.

۱۰- نقل است که گفت: «وقتی در بادیه راه گم کردم. بسی برفتم و راه نیافتم. همچنان چند شبانه روز به راه می رفتم تا آخر آواز خروسی شنیدم. شادگشتم و روی بدان جانب نهادم. آنجا شخصی دیدم، بدوید. مرا قفایی بزد چنان که رنجور شدم. گفتم: خداوندا! کسی که بر تو توکل کند با وی این کنند؟ آوازی شنودم که: تا توکل بر ما داشتی عزیز بودی، اکنون توکل بر آواز خروس کردی. اکنون آن فقط بدان خوردی. همچنان رنجور همی رفتم. آوازی شنودم که: خواص! از این رنجور شدی؟ اینک. بنگریستم آن قفازنده را دیدم در پیش من انداخته». (عطار، ۱۳۹۶: ۵۲۵).

* توضیحات:

گیرنده پیام: ابراهیم خواص.

حالت فیزیکی گیرنده: عادی.

نحوه دریافت پیام: شنیداری.

زمان پیام: بیداری.

نوع پیام: الهام، چون باعث حرکت به سوی کمال می شود.

نوع خاطر: ربانی، چون بدون واسطه به دل ابراهیم خواص فرود آمده است و وی را به مبدأ کل و حقیقت سوق می دهد.

محتوای پیام: تا توکل بر ما داشتنی عزیز بودی. تاوان و توبیخ: قفا خوردن.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: رنجور شدن / کارکرد باطنی: پشیمانی.

این روایت برخلاف ایاک نستعین می باشد. انسان فقط از خدا باید کمک بگیرد و به او توکل کند. در قرآن، خدا دوست دار کسی است که به او توکل کند قلمداد شده است: *إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ* (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) توکل به معنی آن است که بنده امر خود را به خدایش واگذار کند. کسی می تواند توکل پیشه کند که به یقین و ایمان رسیده باشد. یقین و ایمان به اینکه اولاً خداوند قادر و بر انجام هرکاری توانست و ثانیاً رحم و لطف و با بندگانش مهربان است.

۱۱- نقل است که شیخ گفت: «دو برادر بودند و مادری، هرشب یک برادر به خدمت مادر مشغول شدی و یک برادر به خدمت خداوند مشغول بود. آن شخص که به خدمت خدا مشغول بود با خدمت خدایش خوش بود. برادر را گفت: امشب نیز خدمت خداوند به من ایثار کن. چنان کرد. آن شب به خدمت خداوند سر به سجده نهادند. در خواب دید که آوازی آمد که: برادر تو را بیمارزیدیم و تو را بدو بخشیدیم. او گفت: آخر من به خدمت خدای مشغول بودم و او به خدمت مادر، مرا در کار او می کنیدی؟ گفتند: زیرا که آنچه تو می کنی ما از آن بی نیازیم، و لیکن مادرت از آن بی نیاز نیست که برادرت خدمت کند.» (عطار، ۱۳۹۶: ۵۸۶)

* توضیحات:

گیرنده پیام: برادر

حالت فیزیکی گیرنده: عادی

نحوه دریافت پیام: شنیداری

زمان پیام: خواب

نوع پیام: الهام، چون باعث حرکت کمال می باشد. کمال در این داستان ادراک صله ارحام است.

نوع خاطر: ملکی، با واسطه ملائک بر دل برادر فرود آمده، او را به صله ارحام ترغیب می کند.

محتوای پیام: خدمت کردن به مادر و بی نیاز بودن خداوند می باشد.

پاداش: بخشیده شدن.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: نامعلوم / کارکرد باطنی: نامعلوم

طبق فرمایشات خداوند، خدمت کردن به والدین جزو خدمت به خداوند می باشد و صله ارحام

یکی از بهترین عبادت می باشد. هر فرزندی گوهری به نام های پدر و مادر در زندگی اش وجود دارد

که می تواند با خدمت به آنها، به هرچه می خواهد برسد.

۱۲- نقل است که امیر ابوالفضل دیلمی به خواب دید به زیارت شیخ آمد. شیخ فرمود که: «از خمر خوردن توبه کن». گفت: «یا شیخ من ندیم وزیرم فخرالملک، مبادا که توبه من شکسته شود؟» شیخ فرمود: «توبه کن، اگر بعد از آن در مجمع ایشان تو را زحمت دهند و فرومانی مرا یادکن.» پس توبه کرد و برفت. بعد از آن روزی در مجلس خمرخوارگان حاضر بود پیش وزیر. الحاح می کردند تا خمر خورد، پس گفت: «ای شیخ کجائی؟» در حال گریه ای در میان دوید و آن آلت خمر بشکست و بریخت و مجلس ایشان به هم برآمد. ابوالفضل چون آن کرامات بدید، بسیار بگریست. وزیر گفت: «سبب گریه تو چیست؟». حال خود با وزیر بگفت. وزیر او را گفت: «همچنان بر توبه می باش؛ و دیگر او را زحمت نداد. (عطار، ۱۳۹۶: ۶۶۷).

* توضیحات

گیرنده پیام: امیر ابوالفضل

حالت فیزیکی گیرنده: عادی

نحوه دریافت

پیام: دیداری

زمان پیام: خواب

نوع پیام: الهام، چون حرکت به طرف کمال است و کمال در آن، روی گردانی از لذات دنیا می باشد.

نوع خاطر: ملکی، چون با واسطه ملائکه به دل وی فرود آمده است.

محتوای پیام: از خمر خوردن توبه کن.

پاداش: ترک خمر خوردن.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: گریه از روی خوشحالی / کارکرد باطنی: معلوم نیست.

همیشه در توبه به روی همه انسانها باز هست. حضرت پروردگار به دلیل رحمت خاص و اوج شفقت و مهربانی و رأفت خویش نسبت به بندگانش توبه و استغفار را فرصتی بسیار مغتنم و حیاتی برای جبران معاصی و گناهان و ترک فساد و تباهی و خروج از بیراهه های ظلمانی و وحشت زای فسق و فجور و ورود در راه روشن و نورانی هدایت و رستگاری قرار داده است.

۱۳- نقل است که ابو عمرو زجاجی گفت: «عمری در خدمت شیخ ابو عثمان بودم و چنان بودم در خدمت که یک لحظه بی او نخواستم بودن. شبی در خواب دیدم که کسی مرا گفت: ای فلان چند با بوعثمان از ما بازمانی؟ و چند با بوعثمان مشغول گردی و پشت به حضرت آوری؟ و یک روز بیامدم و با مریدان شیخ بگفتم که: دوش خواب عجب دیده ام. اصحاب گفتند هریکی که: نیز امشب خوابی دیده ایم؛ اما نخست تو بگوی تا چه دیده ای». ابو عمرو خواب خود بگفت. همه سوگند خوردند که: «ما نیز بعینه همین خواب دیده ایم و همین آواز از غیب شنیده ایم» پس همه در اندیشه بودند که چون شیخ از خانه بیرون آید این سخن با او چگونه گوئیم؟ ناگاه در خانه باز شد. شیخ از خانه به تعجیل بیرون

آمد، از غایت عجلت که داشت پای برهنه بود و فرصت نعلین در پای کردن نداشت. پس روی به اصحاب کرد و گفت: چون شنیدید آنچه گفتند، اکنون روی از ابوعثمان بگردانید و حق را باشید و مرا بیش تفرقه مدهید. (عطار، ۱۳۹۶: ۶۸۰)

* توضیحات:

گیرنده پیام: ابو عمرو زجاجی

حالت فیزیکی گیرنده: عادی

نحوه دریافت پیام: دیداری

زمان پیام: خواب

نوع پیام: الهام، چون حرکت به سوی کمال می‌باشد.

نوع خاطر: ربانی، چون بی‌واسطه به دل فرودآمده و وی را به حقیقت و مبدأ کل سوق می‌دهد.

محتوای پیام: چند با بوعثمان مشغول‌گردی و پشت به حضرت آوری؟

پاداش: نجات یافتن از بند بندگی.

کارکرد پیام = کارکرد ظاهری: نامعلوم / کارکرد باطنی: نامعلوم.

در این الهام درمی‌یابیم که بندگی از آن خداست. از خلق نگذری به خالق نرسی. خداوند ابراهیم را امتحان کرد. پیرمرد نودساله در آخر عمر، جوان سیزده‌ساله‌اش اسماعیل زیبا و کامل که راستی در دل پدر جا دارد (البته علاقه‌خدایی پسر، نعمت خداست. بنابر این او را دوست می‌دارد نه از جهت نفسانی) اگر راستی خدا را دوست می‌داری نه دیگری را پس پسرت را برای خدا قربانی کن. مسیر انسان‌ها باید صراط‌المستقیم و مقصدشان خداوند باشد در غیر این صورت، هیچ آرامش و عاقبت به‌خیری نخواهد داشت.

نتیجه گیری

القاب دو گونه است، هر کدام دارای علایم و ویژگی‌هایی می‌باشد. الهامات الهی با طمأنینه و آرامش باطن، القائنات شیطانی با اضطراب خاطر و تشویش باطن همراه است. در الهام یا القاء عارف به یکباره با اطلاعاتی روبرو می‌شود که قبلاً درباره آن هیچ علمی نداشته‌است. اگر این علم و اطلاعات انسان را به سوی کمال هدایت‌کند الهام است؛ و اگر به غیر کمال رهنمون‌سازد، القاء می‌باشد.

۱- خواطر بر چهار نوع هستند. ربّانی، ملکی، نفسانی و شیطانی.

ربّانی: بی‌واسطه به دل فرودمی‌آید و باعث توجه به مبدأ کلّ می‌شود.

ملکی: با واسطه ملائکه به دل فرودمی‌آید و آدمی را بر خیرات تحریک و از معاصی دور می‌دارد.

نفسانی: با واسطه به دل فرو می‌آید؛ و بر شهوات و اغراض یاوه برمی‌انگیزد.

شیطانی: بی‌واسطه به دل فرودمی‌آید و باعث گمراهی و وسوسه و استعانت از غیر خدا می‌شود به

عبارتی خلاف ایّاک نستعین است.

۲- طبق نمونه‌های بررسی شده در تذکرة الاولیاء از هر چهار خاطر وجود دارد. گاهی فضای متن

ظاهراً مثبت و الهی است؛ اما وقتی به صورت تخصّصی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که کاملاً شیطانی یا

نفسانی بوده‌است.

۳- دریافت الهام یا القاء هم در بیداری و هم خواب اتّفاق می‌افتد و نحوه دریافت به صورت‌های

مختلف مانند شنیداری، دیداری بوده‌است؛ و در کتاب تذکرة الاولیاء بیشتر شنیداری است.

۴- در اکثر موارد کارکرد باطنی الهام نامعلوم است. ولی کارکرد ظاهری تا حدودی قابل تشخیص

می‌باشد. الهامات و القائنات با توجه به حالت درونی شخص می‌تواند فرودآید.

تحقیقی که انجام یافته‌است با توجه به فرمول مزبور در کتاب تذکرة الاولیاء تمامی موارد خواطر

(ربّانی، ملکی، نفسانی و شیطانی) به دل عارفان و انسان‌های عادی فرود آمده‌است و الهامات بیشتر از

القائنات می‌باشد؛ و فرود الهامات و القائنات بر قلب‌ها نیاز به زمان و مکان ندارد.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن کریم، (۱۳۷۱)، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران: حکمت.
- ۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
- ۳) پایگاه اطلاع رسانی حوزه، (۱۳۹۵)، حدیث سخن حق و سخن باطل، ج ۴، منبع: من لا یحضره الفقیه، قم: حوزه علمیه قم، ص ۲۹۶.
- ۴) خلیلی، مصطفی، (۱۳۸۷)، «وحی و امور و حیانی از نگاه سه حکیم الهی (امام خمینی قدس سره، علامه طباطبائی و شهید مطهری)»، معرفت، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، صص ۴۶-۵۱.
- ۵) دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۴۶)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۶) رازی، فخرالدین، (بی‌تا)، التفسیر الکبیر، مطبعة البهیه المصریه، مصر: قاهره.
- ۷) ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۹۱)، «مقاومت پیامبران در برابر القائنات شیطانی»، نشریه کلام اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۵-۳۱.
- ۸) سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۶)، «نزول وحی به افراد عادی»، مجله کلام اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۳-۱۵.
- ۹) سجادی، سیدجعفر، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: طهوری.
- ۱۰) سعیدی، گل‌بابا، (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات عرفان ابن عربی، تهران: شفیعی.
- ۱۱) صدرالمتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۲)، الشواهد الربوبیه فی المنهاج السلوکیه، تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی، بوستان کتاب، قم.
- ۱۲) طاهری، سید صدرالدین؛ فریدی خورشیدی، منا، (۱۳۹۱)، «الهامات قدسی و القائنات شیطانی از دیدگاه ملاصدرا»، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، نشریه پژوهش‌های معرفت‌شناختی، شماره ۱، صص ۴۰-۴۵.
- ۱۳) طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۹)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴) طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، قم: مکتب النشر الثقافه الاسلامیه.
- ۱۵) عطّار نیشابوری، فریدالدین محمد، (۱۳۹۶)، «تذکره الاولیاء»، محمد استعلامی، تهران: زوآر.

- ۱۶) فریدی خورشیدی، منا، (۱۳۹۰)، «الهامات قدسی و القائنات شیطانی از دیدگاه ابن ترکه و ملاصدرا»، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، نشریه پژوهش‌های معرفت‌شناختی شماره ۱، ص ۲۳.
- ۱۷) کاشانی، عزالدین محمود، (۱۳۸۷)، مصباح الهدایه ومفتاح الکفایه، به کوشش عفت کرباسی، تهران، ص ۷۳.
- ۱۸) معین، محمد، (۱۳۴۶)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.
- ۱۹) مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۷۰)، مثنوی، شرح و تعلیقات محمد استعلامی، تهران: زوآر، چاپ اول.
- ۲۰) نظامی گنجوی، جمال‌الدین، (۱۳۹۰)، چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی، مؤلفان: رضا انزابی‌نژاد و سعیداله قره‌بگلو، تبریز: آیدین، چاپ دوم.

A Study of Inspirations and Inductions in Tazkirat al-Awliya

Azim Mohammadnezhad, Ali Ramazani*, Narges Asghari Gavar
PhD Student, Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University,
Ahar, Iran

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch,
Islamic Azad University, Ahar, Iran.*Corresponding Author, a-ramazani@iu-ahar.ac.ir
Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch,
Islamic Azad University, Ahar, Iran

Abstract

Based on his substantial and intensified motion, man is created in such a way that he attains a level that is prone to receiving divine inspirations or evil inductions and all kinds of dangers. "khavāter" are of two types, which are divine categories and enter the human heart from God, which is called "inspiration", and a category descends from the devil into the human heart, which is called "induction". Sometimes divine inspirations are mediated and sometimes unmediated. The mediators of inspiration are called the angels. The opposite of inspiration is induction by the devil. Tazkirat al-Awliya is a mystical work on the biography of the great saints, written by Sheikh Farid al-Din Muhammad Attar Neyshabouri. The research method of this essay is analytical-descriptive. Because the subject of this article is presented for the first time, it is important in this regard. In the book Tazkirat al-Awliya', the inspirations are more than the instincts and are mostly done by listening. In this article, the authors try to discuss examples of inspirations and inductions from the book Tazkirat al-Awliya.

Key words:

Inspirations, Inductions, khavāter, heart, Tazkiratel al- Awliya.